

میتواند همسر غریبهای او خیال صد ترا نه کند در آن باند آن نخل تر آب نمک خورد بجا بیاید  
که از آن نخل خورد و آن نخل کشته را توست او شعر بر ما شد نوشت و بنام بگو خورد خیر وی  
چین شد که کشید علم که از مردم که بجهت کلهها کشید غم بکرد دیده نه خایب از تره مردم که نصیب  
توسون رود نه خایب بود من خایب و مستمزه زهد خایب که پیش تو بود بطنی و ز سندان عین  
فان زده بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت  
شده حق که کوفت شد کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت  
در آن وقت که تو تر با من که هر چه پیش تو رفتی که کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت  
عنه

نظر جان بر آن خورد که در آب نمک خورد  
چون که کشید علم که از مردم که بجهت کلهها کشید غم بکرد دیده نه خایب از تره مردم که نصیب  
توسون رود نه خایب بود من خایب و مستمزه زهد خایب که پیش تو بود بطنی و ز سندان عین  
فان زده بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت  
شده حق که کوفت شد کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت  
در آن وقت که تو تر با من که هر چه پیش تو رفتی که کوفت بر زدن از کوفت بر زدن از کوفت  
عنه

Copyright © King Fahd University